

مسئولیت مدنی ناشی از خسارات محیط زیستی در حقوق ایران و اسناد بین‌المللی

فرزاد کریمی خنجری^{۱*}، مهدی سجادی کیا^۲

- ۱- * گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه شیراز، ایران
۲- گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد، ایران

نوع مقاله: مروری تاریخ دریافت: مرداد ۱۴۰۰ تاریخ پذیرش: آبان ۱۴۰۰

چکیده

محیط زیست یکی از مباحث بسیار مهم امروزی می‌باشد که با توجه به فجایع امروزی که شاهد آن هستیم در صدر امور بین‌المللی قرار دارد. این فجایع ناشی از خساراتی هستند که از طرف اشخاص و یا دولت‌ها به محیط زیست وارد می‌شوند و بدیهی می‌نماید که بایستی قواعد مسئولیت مدنی را حاکم بر آن بدانیم و جبران خساراتی که از طرف آنان وارد می‌گردد را برعهده آنان قرار دهیم. مسئولیت مدنی ناشی از محیط زیست هم در قوانین بین‌المللی و هم در قانون ایران تعریف شده است ولی ممکن است تعاریف متفاوتی برای تعیین نوع مسئولیت مدنی وجود داشته باشد. حال سوال این است که در صورت وارد شدن خسارت به محیط زیست، مسئولیت مدنی ناشی از آن در حقوق ایران و اسناد بین‌المللی چگونه است؟ لذا در این مقاله به صورت تحلیلی- توصیفی و با روش کتابخانه‌ای به بررسی ماهیت مسئولیت مدنی در حقوق ایران و اسناد بین‌المللی پرداخته و نحوه جبران آن‌ها و نکات ضعف و قوت آن‌ها را مورد بررسی قرار خواهیم داد. تحقیقات نشان می‌دهد که مسئولیت مطلق در این شرایط بهترین نوع مسئولیت مدنی می‌باشد که می‌تواند در مورد خسارات محیط زیستی اعمال شود و بر همین اساس است که در اسناد بین‌المللی این نوع از مسئولیت اتخاذ گردیده است؛ ولی در حقوق ایران مسئولیت مدنی مبتنی بر تقصیر می‌باشد که در مورد زیان‌های محیط‌زیستی هم اعمال می‌گردد که با ماهیت محیط زیست متناسب نمی‌باشد.

واژه‌های کلیدی: تخریب محیط زیست، مسئولیت مدنی، خسارات محیط زیستی، جبران خسارت، اسناد بین‌المللی

مقدمه

هدف هر نظام حقوقی ابتدا پیش‌گیری از ورود آسیب به جامعه‌ی قلمروی خود و سپس در صورت ایجاد آسیب و صدمه حمایت از قربانیان از یک طرف و برخورد با عاملین خسارت از طرف دیگر می‌باشد. حقوق بین‌الملل محیط زیست نیز از این قاعده مستثنی نیست. هدف این حقوق در درجه اول جلوگیری از ورود آسیب به محیط زیست و سپس جبران خسارات وارده به محیط زیست و برخورد با عاملین آسیب و خسارت می‌باشد. نظام مسئولیت و جبران خسارت در حقوق بین‌الملل محیط زیست با این هدف ایجاد شده است. (تقی‌زاده انصاری، ۱۳۹۵) بنابراین در این خصوص اگر ادعا شود که این شاخه از حقوق در تکاپوی تأمین محیطی امن برای زیست است سخنی گزاف نخواهد بود هم‌چنان که فطرت و ذات انسان او را متعهد بر حفاظت از محیط زیست می‌کند و در صورت تخلف از این وعده با مسئولیت جبران آن خسارتی که وارد کرده است مواجه می‌شود. زیرا وارد نمودن صدمات به محیط زیست در وهله اول کرامت انسانی را تحت الشعاع قرار می‌دهد و هنگامی که لطمه‌ای به این امر مهم وارد آید خسارت وارد شده بر انسان غیر قابل کتمان است که نمی‌توان آن را جبران نشده رها ساخت. در این خصوص نیز عده‌ای از ارتباط انسان و کرامات او با حقوق محیط زیست سخن گفته‌اند (رضازاده و کدخدایی، ۱۳۹۹)

با توجه به بحران محیط زیستی امروزی چه در ایران و چه در سطح جهانی، لزوم قانون‌گذاری و نظام‌دهی به مسئولیت در حوزه محیط زیست بیشتر احساس می‌شود. در شرایط امروزی شاهد این موضوع هستیم که در منطقه‌ای از فرط بی‌بارانی، حیوانات و احشام در معرض مرگ قرار داشته و حتی مردم برای آب آشامیدنی با مشکلات عدیده‌ای رو به رو می‌باشند، ولی کمی آن طرف‌تر با بارش باران شاهد وقوع سیل‌های سهمگین و خرابی و ویرانی خانه‌ها هستیم. این موضوع دستبرد انسان به طبیعت را هر چه بیشتر عیان می‌سازد. دستبردهایی که محیط زیست تاب آن را ندارد و واکنش خود را با شدیدترین وقایع نشان می‌دهد. گاه این دستبردهای بی‌رویه به صورت مستقیم و بدون در

نظر گرفتن محدودیت‌هایی اعمال می‌شود که در خصوص آن تحقیقاتی انجام شده و سطحی‌ترین دستبرد انسان مثل برداشت بی‌رویه شن و ماسه، به طبیعت و محیط زیست نیز مخاطرات و خساراتی را متوجه انسان می‌کند که جبران آن بسیار سخت و در برخی موارد غیرممکن می‌گردد (سبزیبایی و وهابی‌پور، ۱۳۹۹). هم‌چنین برخی در متون فقهی با استناد به آیات قرآن کریم، واژه فساد را مطلق و تمامی شقوق فساد را مدنظر قرار دادند که در دو گروه حق الله و حق الناس مورد بررسی قرار می‌گیرد و هرکسی که سبب سلب امنیت مردم باشد و یا خدشه‌ای به جان و مال و ناموسشان وارد سازد و اجتماع متضرر گردد، مصداقی از فساد بوده که خداوند متعال در قرآن کریم بیان کرده است (طباطبایی، ۱۳۸۵). به عبارت بهتر می‌توان این ادعا را این‌گونه تشریح نمود که صدمه و خسارت به محیط زیست، تصرفی است ناپذیرفتنی در آن که آینده‌ای دور یا نزدیک (بسته به مورد صدمات و ماهیت محیط زیستی متفادات است)، مردم و جامعه بشری را خسران زده و متضرر می‌سازد. این ضرری که به مردم وارد می‌شود امنیت آنان و در امتداد امنیت، جان و مالشان را متأثر می‌سازد. بنابراین هرچه که امنیت و سلامت جامعه‌ی بشری را دست‌خوش صدمه قرار دهد حق‌الناس بوده و هر حق‌الناسی مطابق آیات قرآن کریم مصداقی از مصادیق فساد بوده و هرگونه فساد حرام تلقی می‌گردد.

به همین خاطر، شناخت زیان‌های محیط زیستی و تبیین و تنظیم نظام مسئولیت مدنی برای جبران بخشی از آن لازم به نظر می‌رسد. یکی از ایرادهایی که چه در حقوق ایران و چه در اسناد بین‌المللی در این نظام مسئولیت وجود دارد، این است که در مسئولیت مدنی درست است که شخص جبران خسارت می‌کند و ممکن است بازدارندگی نسبی را داشته باشد ولی باید توجه داشت که سهم این جبران خسارت برای محیط زیست کمتر می‌باشد که لازم است در نظام دهی مسئولیت مدنی، این امر هر چه بیشتر مدنظر قرار گیرد تا جبران به معنای واقعی کلمه انجام شود. گرچه جبران خسارات ممکن است سریع باشد ولی آثار این جبران در محیط زیست، مدت زمان طولانی را می‌طلبد تا

مسئولیت مدنی بر پایه تضمین حق، بیشتر بحث‌ها ناظر بر مهندسی اجتماعی و مقایسه اهمیت حق تضمین شده و آزادی فعالیت و ابتکار است و اعتبار حق را در برابر آزادی نشان می‌دهد (فهیمی، ۱۳۹۱).

گاهی تخریب محیط زیست ممکن است به علت تخلف از قرارداد بین شخص خصوصی با شخص عمومی صورت پذیرد، در این‌جا به صورت مختصر ارکان مسئولیت مدنی ناشی از تخلف از اجرای تعهد را نام می‌بریم. وجود تعهد ناشی از عمل حقوقی، تخلف از اجرای تعهد که ممکن است این تخلف جزئی باشد یا کلی؛ ورود خسارت به "متعهدله" که ممکن است خسارت مستقیم یا غیرمستقیم، فردی یا جمعی، مربوط به حال یا آینده، مربوط به عین یا منافع، مادی یا معنوی باشد؛ مطالبه خسارت نیز شروطی دارد که از جمله آن شروط، مسلم بودن ضرر و مستقیم بودن آن، جبران نشده بودن آن و قابل پیش بینی بودن آن است. نکته مهم در مسئولیت قراردادی این است که عدم اجرای قرارداد چه جایگاهی در تحقق مسئولیت مدنی دارد (فهیمی، ۱۳۹۱). رابطه بهره‌برداران از جنگل‌ها و مراتع و دولت معمولاً بر مبنای قرارداد بهره‌برداری است. ماده ۳ قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع کشور مصوب ۱۳۴۶ در این زمینه مقرر می‌دارد: "بهره برداری از منابع مذکور در ماده ۲ توسط اشخاص حقیقی یا حقوقی در هر مورد طبق طرحی به عمل خواهد آمد که به تصویب وزارت منابع طبیعی با رعایت مفاد طرح‌های مصوب قرارداد لازم رسیده و پروانه بهره‌برداری صادر خواهد شد." (کاتوزیان، ۱۳۹۴) هم‌چنین ماده ۳۱ این قانون بیان می‌کند: "وزارت جهاد کشاورزی و منابع طبیعی، مجاز است اراضی جنگلی جلگه آستارا تا گلیداگی و نیز مراتع غیرمشجر ملی کشور را بر اساس طرح‌هایی که تصویب خواهد نمود. با رعایت مواد این فصل و مفاد آیین‌نامه‌های اجرایی این قانون به اشخاص حقوقی اجازه دهد". پرسشی که مطرح است این‌که اگر بهره‌بردار از مفاد قرارداد بهره‌برداری تخلف ورزد، تحقق مسئولیت او درباره جبران خسارت، تابع چه شرایطی خواهد بود؟ گفتنی است که تعهد گاهی به نتیجه است و گاهی به‌وسیله. در تعهد به

خود را نشان دهد و این موضوع حساسیت و شکنندگی محیط زیست را نشان می‌دهد، هرچند که در مواردی صدمات وارد شده به محیط زیست غیرقابل جبرانند. لذا سوال ما این است که در صورت وارد شدن خسارت به محیط زیست، مسئولیت مدنی ناشی از آن در حقوق ایران و اسناد بین‌المللی چگونه است؟ فرضیه ما این است که کلیت مسئولیت مدنی در ایران مبتنی بر تقصیر است که به نظر می‌رسد برای محیط زیست مناسب نباشد و در اسناد بین‌المللی مسئولیت در باب محیط زیست مطلق می‌باشد یعنی چه عامل مقصر باشد چه نباشد، مسئول جبران خسارت می‌باشد. در این راستا ابتدا ارکان مسئولیت مدنی در محیط زیست و مسئولیت‌های مرتبط با محیط زیست در و نحوه جبران خسارت در تعهدات مرتبط با محیط زیست در حقوق ایران را مورد بررسی قرار خواهیم داد، سپس مبنای مسئولیت در چارچوب حقوق بین‌الملل، مسئولیت مرتبط با زیان‌های محیط زیستی در حقوق بین‌الملل، هدف رژیم‌های تعیین کننده مسئولیت مدنی خسارات محیط زیستی در حقوق بین‌الملل و نحوه جبران خسارات محیط زیستی در حقوق بین‌الملل را مورد بررسی قرار خواهیم داد. در پایان نیز پرونده کاپیتان ساخاروف علیه ایران را مورد توجه قرار خواهیم داد که هم مرتبط با قوانین ایران و هم مرتبط با اسناد بین‌المللی می‌باشد.

۱- ارکان مسئولیت مدنی ناشی از تخریب محیط زیست در حقوق ایران

نزد حقوقدانان برای تحقق مسئولیت مدنی وجود سه رکن لازم است که عبارت اند از: ضرر، فعل زیان بار و رابطه سببیت؛ یعنی برای تحقق مسئولیت، لازم است عملی از عامل سرزند و زیانی اتفاق بیفتد و آن عمل موجب این زیان باشد. این عناصر در هر یک از مبانی "تقصیر"، "ایجاد خطر"، "تضمین حق" و غیره باید موجود باشد. در مبنای تقصیر، تکیه بر مجازات مدنی مقصر و تحلیل کار خطا و انتساب آن به اراده اوست؛ در حالی که بر مبنای نظریه خطر، تکیه بر فعل زیان بار به طور نوعی است؛ در نتیجه مسئولیت هم نمای نوعی دارد، نه شخصی؛ ولی در مطالعه

تعهدات، در گروه نخست تعهدات قراردادی، یعنی تعهد به نتیجه قرار دارند. برای مثال، طرح جنگل‌کاری مستلزم قطع تعداد معینی از درختان جنگلی و نشاندن نهال‌های جدید به جای آن‌هاست. تعهد مجری چنین طرحی، به دست آوردن نتیجه‌ای خاص است، نه کوشش متعارف. وانگهی تعهد او اعم از مثبت و منفی است. تعهد مثبت؛ نشاندن تعداد معینی درخت در جنگل است. تعهد منفی نیز، قطع نکردن بیش از اندازه معینی از درختان جنگل است. حفظ مراتع و جنگل‌ها نیز بر بهره‌برداران، تعهد به وسیله است که باید در حد توان در محافظت از آن بکوشند (فهمی، ۱۳۹۱).

حق نیز همین است که در خصوص طبقه‌بندی تعهدات، به تعهدات به وسیله و تعهدات به نتیجه، متمایل به نوع دوم یعنی تعهدات به نتیجه شد. خصایص منحصر بفرد و ضرورت محیط زیست ایجاب می‌نماید که در حمایت از آن محتاطانه عمل نکنیم و در حفظ و حمایت از آن نهایت تلاش را به عمل بیاوریم. بنابراین گنجاندن تعهدات محیط زیستی در قالب تعهدات به نتیجه، با بدهات عقلی مواجه است که سخن خلاف آن را چندان نمی‌توان توجیه نمود. لازم به ذکر است که استفاده از قالب تعهدات تضمین نتیجه که در درجه ی بالاتری از تعهدات به نتیجه قرار دارد هم چندان مناسب نیست. در این نوع تعهدات که نتیجه تضمین می‌شود، صرفاً حصول نتیجه مدنظر است و در صورتی که محقق نشود ولو به دلایل خارج از اراده‌ی متعهد، باز هم او مسؤول تلقی می‌شود. بکارگیری و بار نمودن این نوع از تعهدات بر شانه‌ی متعهد در خصوص تعهدات محیط زیستی، اولاً عدم رغبت فعالیت‌ها را به‌دنبال دارد و دوماً در موادی به مخالفت با اصول عدالت و انصاف برمی‌خیزد. نظریه آن‌چه که بیان‌گر دید تعهدات محیط زیستی را نوعی از تعهدات به نتیجه تلقی می‌نماییم.

۲- مسئولیت‌های مرتبط با زیان‌های محیط زیستی در ایران

نظام حقوقی ایران از گذشته در خصوص زیان و گونه‌های مختلف آن به محیط زیست، مقرراتی را به خود دیده، لکن

نتیجه که ناظر به انجام کاری معین یا به دست آوردن نتیجه‌ای خاص است، رسیدن به نتیجه خاص، مطلوب متعهدله و موضوع تراضی است؛ اما در تعهد به‌وسیله، موضوع، "کوشش متعارف" در جهت رسیدن به نتیجه غایی منظور طرفین است. بدیهی است که در تعهد به نتیجه، وفای به عهد فقط از طریق رسیدن به نتیجه خاص و معین انجام می‌پذیرد و صرف تلاش متعهد در راه رسیدن به نتیجه، از مسؤولیت او نمی‌کاهد؛ ولی در تعهد به وسیله، سعی مدیون مأجور است، هرچند به نتیجه مطلوب نرسد و در صورتی می‌توان او را مسؤول دانست که تلاش متعارف را معمول نداشته باشد. گفتنی است که موضوع تعهد گاهی انجام دادن عملی است که باید فعل مثبت اتفاق افتد. گاهی انجام ندادن عملی است که باید فعل منفی اتفاق افتد.

در صورت تخلف از فعل مثبت، متعهدله باید ثابت کند که تعهدی در کار بوده است و اصل عدم انجام هم او را کمک می‌کند و متعهد باید ثابت کند که تعهد را انجام داده است. در صورت تخلف از فعل منفی، چون امر عدمی اثبات پذیر نیست، متعهدله باید تخلف از تعهد توسط متعهد را ثابت کند؛ یعنی بگوید که قرار بوده متعهد فلان کار را انجام ندهد، ولی مرتکب خطا شده و انجام داده است. آنچه در تخلف از قرارداد گذشت، در جایی بود که تعهد به نتیجه باشد؛ ولی جایی که تعهد به وسیله است، متعهدله علاوه بر به دست نیامدن نتیجه، تقصیر متعهد در انجام تعهد را نیز ثابت می‌کند؛ چون قرار بوده که متعهد تمام تلاش متعارف خود را معمول دارد (کاتوزیان، ۱۳۹۸).

حال باید پرسید در تعهد قراردادی بهره‌برداران از منابع طبیعی، تعهدات از نوع تعهد به نتیجه است یا تعهد به وسیله؟ اجرای قراردادهای بهره‌برداری از منابع طبیعی، در واقع اجرای طرح‌هایی است که از پیش به تصویب مقامات صلاحیت‌دار رسیده است (مواد ۳ و ۳۱ قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع کشور و مواد ۳۱ و ۳۲ آیین‌نامه واگذاری و احیای اراضی در جمهوری اسلامی مصوب ۱۳۵۹). این طرح‌ها که بخش اصلی قراردادهای بهره‌برداری را تشکیل می‌دهند، دربردارنده شرایط فنی قراردادهای و بیان‌کننده تعهدات طرفین هستند. بیشتر این

مطالبه خسارات و معضلات مرتبط با اثبات رابطه سببیت است. (فهیمی و مشهدی، ۱۳۹۰) مضاف بر آنچه که بیان شد خسارات محیط‌زیستی ظهور آنی ندارد و بسیار مواردی است که آسیب و صدمه‌ای به محیط زیست وارد می‌گردد و خسارات ناشی از آن صدمه، بعد از مدت مدیدی به منصفی ظهور می‌رسد و این خود کافی است که ادعا شود اثبات رابطه‌ی سببیت میان تقصیر و ورود زیان دشوار و بسی غیرممکن باشد.

برخی به همین دلیل با اشاره به ماده ۹۵۳ قانون مدنی که تقصیر را اعم از تعدی و تفریط دانسته است و با بیان این که ارتکاب خسارت محیط‌زیستی نوعی تجاوز از حد متعارف و تجاوز به حق دیگران است، استدلال کرده‌اند که ورود خسارت محیط‌زیستی به تنهایی موجب مسؤولیت مدنی شخص در چارچوب نظریه تقصیر تلقی می‌شود و با توجیه نظریه مزبور و مناسب بودن آن برای این گونه خسارات، به بیان نظرات خود پرداخته و مسؤولیت را بر این اساس پایه‌گذاری کرده‌اند (قاسمی و حیدری، ۱۳۹۳).

باید توجه داشت که مبنای مسؤولیت در قانون مسؤولیت مدنی ایران مبتنی بر تقصیر است و بر آن اساس تنها دلیلی که مسؤولیت شخصی نسبت به جبران خسارتی را توجیه می‌کند، اثبات رابطه علیت میان خسارت وارده و تقصیر او است (کاتوزیان، ۱۳۹۵) یعنی صرف ارتکاب تقصیر از طرف وارد کننده خسارت برای تأثیرگذاری بر مسؤولیت زیان زننده کافی نیست و وجود رابطه سببیت در جهت احراز مسؤولیت مدنی لازم می‌باشد (کاظمی، ۱۳۸۴) و زیان دیده باید تقصیر و رابطه علیت بین تقصیر زیان زننده و خسارت‌های وارد شده را به اثبات برساند (قاسم‌زاده، ۱۳۸۷). بنابراین، در صورتی که تقصیر اثبات نشود، مسؤولیتی نخواهد داشت و متعاقباً خسارتی نیز جبران نخواهد شد (ره‌پیک، ۱۳۸۷). البته لازم به ذکر است برخی با توسل به تفکیک میان واردکنندگان زیان و خسارت، به دولت و غیر دولت بیان داشتند، در صورتی که زیان توسط دولت به محیط زیست وارد شود دیگر باید قائل بر مسؤولیت محض شد و اثبات رابطه‌ی سببیت منافی است و دولت بایستی در صدد جبران خسارات وارد شده که منتسب به اوست

در این مسأله‌ی مهم بیشتر مبحث آلودگی مورد توجه قرار گرفته بوده است. به‌عنوان مثال ماده‌ی ۹ قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست مصوب خرداد سال ۱۳۵۳ بیان می‌دارد: "اقدام به هر عملی که موجبات آلودگی محیط زیست را فراهم نماید ممنوع است. منظور از آلوده ساختن محیط زیست عبارت است از پخش یا آمیختن مواد خارجی به آب یا هوا یا خاک یا زمین به میزانی که کیفیت فیزیکی یا شیمیایی یا بیولوژیک آن به طور زیان‌آور به حال انسان یا سایر موجودات زنده و یا گیاهان و یا آثار و ابنیه باشد تغییر دهد". قابل ذکر است زیانی که به محیط‌زیست وارد می‌گردد اشکال مختلف و متنوعی دارد و محرز نیست که این افعال باید چگونه باشند که زیان تلقی گردد و منتهی به جبران خسارات وارد شده شود (محسنی، ۱۳۹۹). در مجموع نظریات مختلف در خصوص مسؤولیت مدنی برای جبران زیان‌های محیط‌زیستی را بیان می‌داریم.

نظریه تقصیر

در مورد بحث مسؤولیت مدنی، یکی از مهم‌ترین مباحث بحث تقصیر می‌باشد که قدمتی طولانی در نظام‌های حقوقی دنیا از جمله ایران دارد. مطابق این نظریه، خسارت را نمی‌توان مطالبه کرد مگر این که بتوان عامل ورود خسارت و تقصیر را اثبات کرد. بنابراین زیان دیده اگر بتواند اثبات نماید که عامل زیان در ورود خسارت مقصر بوده است، مسؤول خواهد بود (بهرامی و فهیمی، ۱۳۸۶) و زیان دیده باید به عنوان مدعی، تقصیر و رابطه‌ی علیت بین تقصیر فاعل زیان و زیان‌های وارده را به اثبات برساند. بنابراین اگر تقصیر اثبات نشود مسؤولیتی متوجه او نیست و جبران زیانی قابل طرح نخواهد بود (قاسمی و حیدری، ۱۳۹۳). باید توجه داشت که پذیرش این نظریه در بحث خسارات محیط‌زیستی امکان جبران بسیاری از خسارات محیط‌زیستی را با مشکل و مانع رو به رو می‌سازد (خوئینی و کرمی، ۱۳۹۳) و اثبات تقصیر در خسارات محیط‌زیستی بر خلاف سایر حوزه‌ها بسیار دشوارتر است و این دشواری اثبات تقصیر ناشی از ماهیت خسارت محیط‌زیستی، متعدد بودن زیان‌زندگان و آلوده‌کنندگان محیط زیست، نداشتن انگیزه از طرف قربانیان خسارات محیط‌زیستی برای

برآید (فقیه‌حیبی، ۱۳۹۹).

درکل با توجه به ماهیت خسارات محیط زیستی، قواعد مسئولیت مدنی سنتی در ارزیابی آن‌ها و تدوین رژیم مسئولیت مدنی ناتوان است. پس باید در این خصوص یا به فکر تمهید قانون خاص مسئولیت ناشی از خسارت محیط زیستی بود یا با استقراء از قوانین خاص حمایت از محیط زیست (برای مثال ماده ۲۹ قانون آلودگی هوا) و باتکیه بر اصول احتیاط و پیشگیری، مسئولیت محض را به صورت ترکیبی از نظام مسئولیت مدنی و حقوق عمومی پذیرفت (کاتوزیان و انصاری، ۱۳۸۷).

نظریه خطر

با توجه به پیشرفت علوم و حرکت کردن جوامع به سمت صنعتی شدن و تمایل بشر به مدرنیته، به‌کارگیری از لوازم برای رسیدن به این هدف فضای خطرناکی را مهیا می‌سازد که ممکن است این فضای خطرناک خساراتی را به بار آورد. به‌عنوان مثال ماشین‌آلات صنعتی هرچند در تولید و میزان تولید محصولات، نقش بسزایی را ایفا می‌کنند اما به صرف اینکه شروع به فعالیت می‌کنند، فضای خطرناک و آسیب‌زننده‌ای را بوه‌جود می‌آورند که هرآن ممکن است شخصی از این فضای خطرآلود متضرر و خسارت دیده شود. در این خصوص اگر ادعا نمود با صنعتی شدن جوامع، اولین قربانی محیط زیست بوده است ادعای کذبی نخواهد بود. بنابر آن‌چه گفته شد در این نظریه، به اثبات تقصیر آلوده‌کننده یا زیان‌زننده نیازی نیست بلکه همین که شخصی فعالیت را انجام دهد که خود ذی‌نفع باشد و این فعالیت منجر به آلودگی و تخریب محیط زیست شود باید خسارات وارده را جبران کند، چه تقصیر داشته باشد چه نداشته باشد. در واقع به تعبیری دیگر، زیان‌زننده مطابق این اظهارنظر در مقابل خساراتی که بر محیط زیست وارد می‌سازد مسئولیتی از نوع عینی بودن پیدا می‌کند و منظور از عینی بودن این است که شخص بدون آن که تقصیر داشتن او برایش نقشی داشته باشد، مسؤول تلقی می‌گردد. هرچند که از میان نظریات ارائه شده این نظریه در حمایت از محیط زیست بهتر و مفیدتر است و در راستای تقویت این حمایت نقش بسزا و مؤثری می‌تواند ایفا کند، از انتقاد و

ایراد مصون نمانده است. در نقد به این نظریه بیان داشتند که جنبه‌های متعدد اقتصادی را متأثر ساخته و مسبب کاهش انگیزه‌ی اجتماعی می‌شود. بنابراین رشد فعالیت‌های اقتصادی، خصوصاً فعالیت‌های پرخطر اقتصادی و صنعتی تنزل پیدا خواهد کرد و این رخ داد خود صادرکننده‌ی حوادث ناگوارتری در جوامع می‌باشد. در مجموع مقید بودن بر این‌که این نظریه در برخی موارد خلاف عدالت و انصاف قضایی ظهور می‌کند چندان مبالغه‌آمیز نخواهد بود (فهیمی و مشهدی، ۱۳۹۰).

۳- نحوه جبران خسارت در تعهدات مرتبط با محیط

زیست در حقوق ایران

معمولاً تشخیص بهترین راه جبران خسارت در هر دعوی با دادگاه است (ماده ۳ قانون مسئولیت مدنی)، لکن قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع کشور شیوه خاصی در مورد جبران خسارت عهدشکنی در برخی از قراردادهای بهره‌برداری پیش‌بینی کرده است. ماده ۳۳ این قانون می‌گوید:

به منظور نظارت بر اجرای طرح‌های کشاورزی و دامپروری مندرج در ماده ۳۱ و تشخیص تعلل یا تخلف و عذر موجه مجریان طرح‌ها و تعیین درصد عملیات انجام شده طرح‌های مزبور در هر استان یا فرمانداری کل هیأت نظارت سه نفری به حکم وزیر کشاورزی و منابع طبیعی تعیین می‌شود. ماده ۳۲ نیز می‌افزاید:

هرگاه بر اساس گزارش هیأت مندرج در ماده ۳۳ این قانون، شرکت‌ها و مؤسسات مذکور در ماده ۳۳ این قانون و شرکت‌ها و مؤسسات مذکور در ماده ۳۱، حداقل شصت درصد عملیاتی را که بر اساس طرح باید در نیمه اول مدت زمان اجرای طرح در زمین مورد اجاره انجام شود و یا حداقل ۸۰ درصد کل عملیات طرح در آن زمین تا انقضای مدت اجاره‌ی آن بدون عذر موجه انجام ندهند، منابع طبیعی و وزارت کشاورزی مراتب را با ارسال رونوشت گزارش هیأت نظارت به مجری طرح ابلاغ می‌کنند تا اگر نسبت به مفاد گزارش ذکر شده معترض باشد، اعتراض خود را در مدت یک ماه ابراز دارد و چنان‌چه ظرف مدت

یک ماه معین شده از طرف مجری طرح اعتراض نشد، نسبت به فسخ اجاره و خلع ید از اراضی و تأسیسات طرح، طبق مقررات این قانون اقدام می‌گردد.

اگر قرارداد بین بهره‌برداران و سازمان منابع طبیعی را اجاره بدانیم، در مدت اجاره، مستأجر مختار است که از عین مستأجره، انتفاع ببرد یا نبرد؛ ولی در طرح‌های مذکور که عنوان واگذاری دارد، رسیدن به نتیجه غایی هدف سازمان منابع طبیعی است که در صورت عدم اجرای به موقع، حق فسخ را به اداره مذکور می‌دهد. گاهی نیز الزاماتی بر بهره‌برداران می‌شود؛ مثل بازسازی منابع طبیعی مورد استفاده که موقع بهره‌برداری آسیب می‌بیند که این مطلب نیز به دلیل عهدشکنی نیست، بلکه الزامی قانونی است که مبنای آن، ملاحظات محیط زیستی است و از نظریه مسؤولیت مطلق سرچشمه می‌گیرد (فهیمی، ۱۳۹۱).

اگر تمام شرایط و ارکان مسؤولیت مدنی جمع باشد، زیان دیده حق دارد جبران خسارتی را که به او وارد شده را بخواهد و عامل ورود زیان (آلوده کننده) را درصدد الزام به جبران ضرری که به بار آورده است قرار دهد. به همین دلیل، رابطه دینی (تعهد) میان آلوده‌کننده و زیان‌دیده به وجود می‌آید؛ رابطه‌ای که در نتیجه مسؤولیت مدنی ایجاد شده و به منزله اثر این مسؤولیت مورد مطالعه و بررسی قرار می‌گیرد (کاتوزیان، ۱۳۹۵). مسؤولیت مدنی روشی برای اجبار تخریب‌گران محیط زیست است تا خسارتی را که به وجود آورده‌اند، جبران کنند و یا این که هزینه اصلاح آن را بپردازند؛ بنابراین این نوع مسؤولیت در برابر محیط زیست، روشی است که نه تنها به علت و سبب خسارت، بلکه به مقدار و میزان خسارت نیز توجه می‌کند. در تعیین میزان این خسارت به محیط زیست عواملی مهم چون تغییرات در رشد یا تکثیر (تولیدمثل) انواع جانداران، پرندگان و غیره، هرگونه کاهش در سطح و میزان خدمات و منافی که به وسیله منابع طبیعی ارائه می‌شود، در زمان صدور حکم به جبران خسارت باید در نظر گرفته شود. آثار تخریب، بسیار وسیع و گسترده‌اند. از طرفی بر سلامت انسان‌ها تأثیر می‌گذارند و باعث بروز انواع بیماری‌ها و غیره می‌گردند و از سوی دیگر، بر منابع طبیعی محیط زیست

اثر سوء می‌نهند (فهیمی، ۱۳۹۱).

همان‌طور که امروزه مخاطرات محیط زیستی در یک نقطه از دنیا، نقطه‌ای دیگر را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد و این مهم نشان دهنده آن است که حتی امنیت در جوامع و دول رابطه تنگاتنگی با محیط زیست پیدا کرده است. بدین نحو که خسارات محیط زیستی مسبب ناامنی در میان افراد جوامع می‌گردد و این ناامنی جوامع نیز دولتی که متبوع آن هستند را متأثر خواهد ساخت (قوام و مصطفوی، ۱۳۹۸). مسؤولیت تخریب محیط زیست نه تنها به علت و سبب خسارت، بلکه به مقدار و میزان خسارت نیز توجه می‌کند و در تعیین میزان خسارت عوامل مهمی دخیل هستند. بر همین اساس، شیوه‌های جبران خسارت متفاوت هستند. هم‌چنین باید اشاره کرد که قانون مسؤولیت مدنی ایران تکلیف کسانی را که با تخریب محیط زیست متضرر می‌شوند، تعیین کرده است. این اشخاص می‌توانند با احراز ضرر، فعل زیان بار و رابطه سببیت با اقامه دعوی در دادگاه علیه عامل زیان اقدام کنند که نیازی به توضیح جزئیات آن نیست (فهیمی، ۱۳۹۱).

در تجاوز به ذخایر منابع طبیعی، لازم نیست که خسارت به فرد مشخصی وارد آید، بلکه طبق اصل ۵۰ قانون اساسی تجاوز به اموال عمومی نیز ضمان‌آور است و کسی که در حفاظت از محیط زیست سر باز زند، متخلف محسوب شده، مسؤولیت مدنی خواهد داشت. از آن جا که مبنای تقصیر در همه جا جواب‌گو نیست، بعضی سراغ مبنای خطر رفته‌اند. بنابراین نظریه هرکس به فعالیتی بپردازد و محیط خطرناکی برای دیگران به وجود آورد، کسی که از آن محیط سود می‌برد، باید خسارت ناشی از آن را جبران کند و مهم رابطه علیت بین عمل آن شخص و زیان وارد شده است. بعدها این نظریه را اندکی تغییر دادند و گفتند که مسؤولیت عوض متقابل سودجویی است و در فقه نیز شاهد جسته‌اند که «من له الغنم فعلیه الغرم» و برخی آن را نظریه خطر در برابر انتفاع نام نهاده‌اند. آنان از اصل ۵۰ ق.ا نیز در طریق تشبیه این نظریه بهره گرفته‌اند. (فهیمی، ۱۳۹۱). لکن همان‌طور که سابقاً بیان داشتیم انتقاداتی در خصوص این نظریه وارد است و بر این گفته که این نظریه

مانع از پویایی و پیشرفت اقتصادی و کاهش انگیزه‌ی اجتماع می‌شود، صحه می‌گذاریم و ما مبنای مسئولیت مطلق را بر می‌گزینیم. قانون برنامه پنج ساله دوم توسعه، مصوب ۱۳۷۳، در بند «ب» چنین مقرر کرده است که: بهره‌برداران از منابع ملی بایستی در صدد بازسازی آن برآیند که این مقرر نیز مؤید این گفته است.

۴- مبنای مسئولیت در چارچوب حقوق بین‌الملل

مطابق با تحقیقات صورت گرفته در حوزه محیط زیست همه اجزای تشکیل دهنده محیط زیست، از دریا و خشکی گرفته تا جنگل و هوا و حیوانات همه به هم دیگر مرتبط و وابسته هستند. مطابق بند ۲۹ رأی مشورتی صادره از دیوان بین‌المللی دادگستری در سال ۱۹۹۶ که درباره مشروعیت کاربرد سلاح‌های اتمی بود، همین وابستگی اجزای محیط زیست و به عبارتی دیگر یکپارچگی آن را به رسمیت شناخت و تأکید کرد که محیط زیست به تنهایی دارای مفهومی نمی‌باشد و با توجه به یکپارچگی آن حیات، نحوه زندگی، جانوران و آینده بشریت وابسته به آن می‌باشد (ICJ Reports, 1996) و از منظر یکپارچگی و وحدت همین عناصر محیط زیستی، هر گونه آلودگی قابلیت این را دارد که تعادل موازنه میان عناصر ذکر شده را برهم زند؛ به همین خاطر برای صیانت از محیط‌زیست و تمامی عناصر آن پیشنهاد وضع قوانین جهانی مطرح گشت و از طریق سازمان‌های بین‌المللی و نشست‌های متعدد جهانی تکامل یافت. با وجود این، روند توسعه حقوق بین‌الملل محیط زیست، به علت تقابل با حاکمیت دولت‌ها همواره کند بوده است (فهمی، ۱۳۹۱). این مورد و سایر موارد بدین شکل موجب گردید که این شاخه از حقوق مبتنی بر بیانیه‌ها، اعلامیه‌ها و از این قبیل موارد باشد، در نتیجه با فقدان ضمانت اجرایی مستحکم و بازدارنده مواجه می‌شویم که مسأله‌ای حائز اهمیت است (قوام و مصطفوی، ۱۳۹۸).

بسیار است مواردی که توسط دولتی خسارت و ضربه‌ای به محیط زیست وارد می‌گردد و آن ضربه، دیگر دولت‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد و فضای بین‌المللی در پرتوی آن صدمات وارد شده قرار می‌گیرد (پورهاشمی و موسوی، ۱۳۹۰). مطابق حقوق بین‌الملل کلاسیک، کشورها بر همه

قلمرو و منابع طبیعی خود حاکمیتی بی‌همتا و منحصر به فرد دارند، حال آن‌که مسائل مربوط به محیط زیست و به عبارتی حقوق محیط زیست این قاعده کلاسیک را به چالش کشید؛ چراکه محیط زیست نمی‌تواند در چارچوب سرحدات دولتی قرار گیرد و رفته رفته این موضوع جای خود را در افکار جهانی پیدا کرده است. دلیل منطقی که می‌تواند مبین این قاعده جدید باشد، این است که محیط زیست حیوانات جنگل‌ها گیاهان کوه‌ها رودخانه‌ها و دریاچه‌ها برای خود دارای مرزهای طبیعی می‌باشند که ممکن است کل یک قاره را در بر گیرد و مرزهای دولتی و تصنعی نمی‌تواند این قاعده را تغییر دهد و همه این اجزا بدون توجه به آن به حیات خود ادامه می‌دهند. (ICJ Reports, 1996) دولت‌ها در چارچوب قلمرو مرزهای خود حق حاکمیت مطلق را دارا می‌باشد، ولی امروزه حقوق بین‌الملل حاکمیتی نسبی را برای این کشورها در نظر می‌گیرد و در بهره‌برداری از منابع طبیعی در مرزهای خود هیچ کشوری دارای صلاحیت انحصاری نمی‌باشد (Smith, 1998) چه این‌که تصرف و بهره‌برداری در این موارد همه جوامع بشری را تحت تأثیر قرار می‌دهد و منافع جوامع بشری این عدم محدودیت در تصرف به محیط زیست را در تعارض با خود قلمداد می‌کند.

بر اساس حقوق بین‌الملل آلودگی محیط زیستی باید دارای چارچوب‌های مشخصی باشد تا بتواند فعالیت‌های مضر را ممنوع کند (Kiss, 1991)؛ ولی این امر باید دارای قواعد مشخصی باشد، که در این میان ضمانت اجرا و جبران نقض قواعد حقوق بین‌الملل محیط زیست یا همان مسئولیت بین‌المللی بسیار حائز اهمیت می‌باشد. مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها از مباحث بسیار مهم و عمده حقوق بین‌الملل می‌باشد که مطابق نظر گارسا آمادور مخبر اسبق کمیسیون حقوق بین‌الملل، دارای پیچیدگی و نکات مبهم زیادی می‌باشد (Garcia Amador, 1958). این موضوع از اموری می‌باشد که از جمله ارکان نظام بین‌المللی به شمار می‌آید و نقض قوانین و قواعد آن، موجبات نقض و تضعیف حقوق و قوانین بین‌المللی را فراهم کرده و امنیت زیست بین‌المللی را به خطر می‌اندازد (فیوضی، ۱۳۷۹).

اطلاعات موجود فراتر روند، در این خصوص کشورها باید در حقوق داخلی خود حق رجوع به دادگاه هایشان را برای دعاوی مربوط به این خسارات ایجاد نمایند." (تقی‌زاده انصاری، ۱۳۹۵). در همین رابطه کنوانسیون حفاظت از محیط زیست دریا و مناطق ساحلی مدیترانه تجدید نظر شده در ۱۰ ژوئن ۱۹۹۵ در بارسلون اسپانیا در ماده ۱۶ مقرر می‌دارد که طرفین قرار داد متعهد به همکاری در فرمول‌بندی و تصویب قوانین مناسب و روش‌هایی برای تعیین مسؤلیت و جبران خسارت ناشی از آلودگی محیط زیست دریایی در مدیترانه می‌باشند. در تعریف مسؤلیت مبتنی بر خطا و تقصیر به نظر یکی از حقوق دانان^۱: "اگر قاعده‌ای مطابق حقوق بین‌الملل به وجود بیاید که ترک فعل یا فعل در آن گنجانده گردد، رابطه‌ای حقوقی به صورت اتوماتیک ایجاد می‌شود. مطابق این رابطه، این عمل به وی منتسب بوده و باید با پرداخت غرامت آن را جبران کند. این رابطه‌ای است که بین دولت زبان زننده و دولت زبان دیده ایجاد می‌شود" (Bedjaoui, 1991).

مسؤلیت ناشی خطر یا اعمال منع نشده

در سال ۱۹۹۷ کمیسیون حقوق بین‌الملل موضوع مسؤلیت بین‌المللی ناشی از پیامدهای فعالیت‌هایی که طبق حقوق بین‌الملل منع نشده‌اند را به دو دسته‌ی اقدامات بازدارنده و اقدامات جبرانی تقسیم نمود. اقدامات بازدارنده تحت عنوان پیش نویس کنوانسیون "جلو‌گیری از خسارت فرامرزی ناشی از فعالیت‌های خطرناک" در سال ۲۰۰۱ توسط کمیسیون حقوق بین‌الملل تدوین گردید. قابل ذکر است که موضوعات تحت پوشش این مسؤلیت عمدتاً موضوعات محیط زیست می‌باشند. زیرا ممکن است فعالیت‌هایی در محیط زیست صورت گیرد که با وجود تمامی اقدامات احتیاطی و بدون نقض تعهدات بین‌المللی موجب ورود خسارت شدید و بعضاً جبران‌ناپذیر به محیط زیست گردد. به منظور پوشش دادن این نوع خسارات نهایت کمیسیون در سال ۲۰۰۱ به تدوین کنوانسیون "جلوگیری از خسارت فرامرزی ناشی از فعالیت‌های خطرناک" پرداخت (تقی‌زاده انصاری، ۱۳۹۵).

مسؤلیت بین‌المللی در صورت نقض قواعد بر یکی از تابعان حقوق بین‌الملل بار می‌شود تا خسارات ناشی از نقض و شکستن قوانین را جبران نماید. باید توجه داشت که مسؤلیت بین‌المللی به خسارات محیط زیستی و یا سایر خسارات و جبران خسارات محدود نمی‌شود. این موضوع مرتبط با رأی دیوان بین‌المللی دادگستری در پرونده کارخانه کورفو (آلمان علیه لهستان) است. طبق رأی صادره در این پرونده، کشورها و در مجموع تابعان حقوق بین‌الملل در برابر نقض حقوق بین‌الملل که به آن‌ها منتسب باشد، مسؤلیت دارند. با پرداخت غرامت باید این نقض حقوق بین‌الملل را جبران کنند (Chorzów Case, 1927) هر چند رویه‌های قضایی و داوری نقش چشمگیری در توسعه و پیشرفت حقوق بین‌الملل دارند ولی حقوق بین‌الملل محیط زیست در بعد مسؤلیت از رویه داوری و قضایی بین‌المللی برخوردار نمی‌باشد. در حادثه تریل اسملتر میان کانادا و آمریکا در آلودگی فرامرزی مسؤلیت بین‌المللی دولت‌ها شناسایی شد؛ اما پس از سال ۱۹۴۱ میلادی فقط موارد اندکی از سوانح محیط زیستی برای رسیدگی به مراجع بین‌المللی ارجاع و ختم به صدور رأی شده است (فهیمی، ۱۳۹۱).

۵- مسؤلیت مرتبط با زبان‌های محیط زیستی در

حقوق بین‌الملل

مسؤلیت ناشی از خطا و تقصیر

در حقوق بین‌الملل مسؤلیت در اثر خطا و تقصیر یک قاعده حقوقی مشترک می‌باشد که در بسیاری از اسناد بین‌المللی به ویژه مرتبط با مسؤلیت دولت آمده است. مثلاً به موجب بند ۱ ماده ۲۳۵ کنوانسیون سازمان ملل متحد حقوق دریاها ۱۹۸۲ "کشورها برای اجرای تعهدات بین‌المللی خود در مورد حمایت و حفاظت از محیط زیست دریا دارای مسؤلیت بین‌المللی هستند". همچنین به موجب ماده ۲۳۲ همین کنوانسیون "کشورها برای خسارات قابل انتساب به آنان و ناشی از اقدامات به عمل آمده مطابق با بند ۶ مسؤول خواهند بود، اگر این اقدامات غیرقانونی باشند یا از اقدامات متعارف با توجه به شرایط و

^۱. Archega

در نظریه کلاسیک خطا و تقصیر برای ایجاد مسئولیت، نیاز به نقض تعهدات بین‌المللی می باشد به عبارت دیگر نقض یک تعهد بین‌المللی لازمه جبران خسارت است در حالی که در نظریه خطر، صرف ورود خسارت از کشوری به کشور دیگر برای ایجاد مسئولیت کافی بوده و دیگر نیازی به اثبات نقض یک تعهد بین‌المللی نمی‌باشد یعنی حتی در مواردی دولت‌ها نه به خاطر نقض یک تعهد بین‌المللی بلکه به دلیل انجام اعمالی که از نظر حقوقی کاملاً مجاز محسوب می‌شوند ولی با وجود آن خساراتی وارد شده مسئول شناخته می‌شوند و باید جبران خسارت نمایند. به عبارت دیگر برای تحقق جبران خسارت دیگر به عملی مخالف حقوق بین‌الملل و تعهدات نیازی نیست و این به عنوان یک تعهد اولیه شناخته می‌شود (ضیایی بیگدلی، ۱۳۹۵). دلیل وجودی آن این است که ممکن است یک دولتی با انجام یکی از اعمال منع نشده که مشروع باشد، باعث ایجاد خسارت‌هایی برای محیط زیست و در خطر افتادن آینده جامعه بشری باشد. تفاوت دیگر میان دو نظریه مسئولیت این است که در حالی که در مورد مسئولیت بر مبنای خطا و تقصیر بار اثبات خطا و تقصیر و نقض تعهد بین‌المللی با قربانی خسارت دیده است در نظریه خطر، زیان دیده نیازی به اثبات خطا و تقصیر عامل خسارت ندارد. به محض ورود خسارت عامل رفتار خسارت بار، متعهد به جبران خسارت می‌باشد. در این رابطه در مقدمه پیش‌نویس کمیسیون حقوق بین‌الملل با عنوان "پیش‌نویس جلوگیری از انتقال خسارت به واسطه فعالیت‌های خطرناک (۲۰۰۱)" ضمن بیان هدف از تهیه که همان تحقق اهداف اعلامیه ریودوژانیرو و همکاری‌های جهانی در این زمینه می‌باشد که بر اصل حاکمیت دولت‌ها بر منابع طبیعی خود، جهت ادامه فعالیت‌ها در محدوده سرزمینشان را تا آن حد اعلام نموده‌اند که آسیبی در اثر آن فعالیت به سایر کشورها وارد نشود (Birmie & Boyle, 1996)

۶- هدف رژیم‌های تعیین کننده مسئولیت مدنی

خسارات محیط زیستی در حقوق بین‌الملل

شناخت هدف نظام ارائه کننده مسئولیت‌های مرتبط با

محیط زیست، شاید معضلی باشد که پروژه‌های در حال محقق این نظام مسئولیت، با آن روبرو هستند. این نظام مسئولیت و ایجاد آن قبلاً در کنوانسیون حفاظت از محیط زیست دریایی دریای بالتیک (ماده ۱۷)، کنوانسیون همکاری در حفاظت و توسعه محیط زیست دریایی و ساحلی منطقه آفریقای غربی و مرکزی (ماده ۱۵) کنوانسیون پیشگیری از آلودگی دریایی به وسیله تخلیه مواد زائد و سایر مواد در دریا (ماده ۱۰)، کنوانسیون حفاظت و توسعه محیط زیست دریایی دریای کارائیب (ماده ۱۴)، کنوانسیون حفاظت از منابع طبیعی و محیط زیست منطقه اقیانوس هند جنوبی (ماده ۲۰) و کنوانسیون حفاظت و توسعه محیط زیست دریایی منطقه آفریقای شرقی (ماده ۱۵) پیش‌بینی شد. در بعد بین‌المللی با این که ضمانت اجرایی موثقی برای تصمیمات نمی‌توان یافت، گرایش به مسئولیت محض فراوان دیده می‌شود؛ زیرا با مسئولیت مبتنی بر تقصیر، از پس خسارات محیط‌زیستی نمی‌توان برآمد. کشور ما نیز که تاکنون به حدود ۴۵ کنوانسیون بین‌المللی در این زمینه ملحق شده، باید در قوانین محیط زیستی تجدید نظر اساسی کند (فهمی، ۱۳۹۱).

۷- نحوه جبران خسارات محیط زیستی در حقوق

بین‌الملل

با توجه به اسناد بین‌المللی که اشاره خواهیم کرد، جبران خسارات محیط زیستی در حوزه حقوق بین‌الملل معمولاً و عمدتاً به دو صورت ظهور می‌کند: ۱- اعاده به وضع سابق ۲- پرداخت غرامت.

اعاده به وضعیت سابق

اعاده به وضعیت سابق به مفهوم بازگرداندن به وضعیت قبل از ورود خسارت است. مطابق رای دیوان در قضیه کارخانه کورزوف "جبران خسارت باید به شکلی باشد که عمل ناقض قانون یا نامشروع و آثارش محو شده و وضعیتی را به وجود آورد که اگر آن عمل از ابتدا انجام نمی‌شد، چنین وضعیتی حاکم می‌بود". در بسیاری از معاهدات بین‌المللی نیز به این روش اشاره شده است مثلاً بند ۸ ماده

۲ کنوانسیون مسؤولیت مدنی خسارات ناشی از فعالیت‌های خطرناک برای محیط زیست ۱۹۹۳ لوگانو در تعریف اعاده وضعیت، آن را شامل کلیه تدابیر متعارف و معقول با هدف بازگرداندن اجزای صدمه دیده یا تخریب شده محیط زیست، بیان نموده است (تقی‌زاده انصاری، ۱۳۹۵). در همین رابطه کمیسیون حقوق بین‌الملل در ماده ۳۵ پیش نویس چنین اعلام نموده است: دولت مسؤول به واسطه انجام عمل نادرست، باید وضع را به صورت سابق بازگرداند. البته در صورتی که عمل مزبور به قابل انجام و اجرا باشد و این عمل از دیدگاه مادی غیرممکن نباشد و هم‌چنین بیشتر از تعهدی که برای آن دولت در نظر گرفته شده نباشد. (UN, 2001) اعاده به وضعیت سابق یا به شکل مادی است یا به شکل حقوقی. چنانچه خسارت وارده به صورت مادی باشد اعاده وضعیت سابق نیز حالت مادی می‌یابد. مثلاً در صورت آلودگی سواحل به مواد نفتی، پاک سازی آن اعاده به وضعیت سابق است. محدودیت این روش این است که در مواردی اصولاً امکان احیاء وجود ندارد، مانند تلف شدن موجودات نادر جانوری یا گیاهی در اثر آلودگی. اعاده وضعیت به شکل حقوقی زمانی است که آسیب وارده به محیط زیست در اثر وضع قانونی باشد، که در این صورت لغو آن قانون یا عدم اجرای آن کمک می‌نماید تا وضعیت به حال سابق برگردد (تقی‌زاده انصاری، ۱۳۹۵).

پرداخت غرامت

در صورتی که امکان اعاده وضعیت به حال سابق وجود نداشته باشد، عامل خسارت باید از طریق پرداخت غرامت یعنی مبلغی پول به جبران خسارت بپردازد. به موجب ماده ۳۶ پیش نویس کنوانسیون مسؤولیت؛ غرامت باید شامل همه خسارت قابل تقویم مالی از جمله پرداخت عدم النفع به میزانی که مسلم است، باشد. (UN, 2001) اما محدودیت استفاده از این روش این است که همیشه امکان ارزیابی مالی عناصر حیاتی محیط زیست به پول وجود ندارد مثلاً نمی‌توان قیمتی برای یک گونه در معرض انقراض متصور

شد. با وجود این محدودیت استفاده از این شیوه به عنوان تنها راه جبران خسارت محسوب می‌شود. بر این اساس کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاهای، در بند ۳ ماده ۲۳۵ خود چنین اعلام می‌نماید: "برای اطمینان از فوری و کافی بودن پرداخت غرامت به خاطر خسارات وارد شده به محیط زیست دریا، همه دولت‌ها در مقام اجرای قوانین بین‌المللی و حقوق بین‌الملل و توسعه آن در ارتباط با مسؤولیت‌ها جهت ارزیابی میزان خسارت و پرداخت‌های مرتبط با غرامت و حل و فصل اختلافات حاصله و هم‌چنین در صورت لزوم، مشخص نمودن ابعاد و میزان غرامت و نحوه پرداخت آن، چه از طریق بیمه و چه از طریق صندوق‌های غرامت، همکاری خواهند کرد (پورنوری و حبیبی مجنده، ۱۳۸۵). هم‌چنین به موجب کنوانسیون بین‌المللی مسؤولیت و جبران خسارت در ارتباط با حمل مواد خطرناک سمی از طریق دریا ۱۹۹۶ چنانچه متصدی بار که خود عامل خسارت بوده است، نتواند پرداخت مربوط به خسارت را انجام دهد و یا مبلغ پرداختی با خسارات هم‌خوانی نداشته باشد، صندوق کنوانسیون مزبور غرامت را خواهد پرداخت. هم‌چنین مطابق کنوانسیون "حمایت مدیریت و توسعه، مناطق محیط زیست دریایی و ساحلی منطقه شرق آفریقا ۱۹۸۵" متعاهدین باید در جهت تنظیم قوانین و رویه‌های قضایی مناسب برای تعیین مسؤولیت و پرداخت غرامت کامل به صورت فوری با یکدیگر همکاری نمایند. در راستای همین موضوع قطعنامه ۶۸۷ شورای امنیت در ۱۹۹۱ به خاطر اشغال کویت، عراق را در آسیب رساندن به محیط زیست و ایراد خسارات مسؤول شناخت و مشارالیه را ملزم به پرداخت غرامت به قربانیان خسارات کرد (موسوی و قیامیان، ۱۳۹۰).

۸- بررسی پرونده کاپیتان ساخاروف علیه ایران

یکی از پرونده‌هایی که به دو عامل حقوق داخلی (ایران) و هم به جهت ارتباط آن با حقوق بین‌الملل معروف است، پرونده کاپیتان کشتی ساخاروف علیه ایران می‌باشد.

¹. Convention on Liability and Compensation for Damage in connection with carriage of Hazardous and Noxious Substances by Sea 1996(HNS)

۱۳۷۶ رأی بدوی تأیید گردید و موضوع جهت رسیدگی به شعبه سوم دادگاه عمومی تهران سپرده شد. پس از ارجاع آن به کارشناس و دریافت گزارش های گوناگون برای بررسی دقیق میزان خسارات رسیده به محیط زیست دریایی در منطقه، شعبه مذکور در رأی نهایی صادر شده مورخ دوازدهم مردادماه ۱۳۷۹ مالک کشتی ساخاروف را به پرداخت مجموع مبلغی حدود شش میلیون دلار به سازمان های دولتی سه گانه جمهوری اسلامی ایران و پرداخت همه هزینه های دادرسی محکوم نمود. حدود ۳/۵ میلیارد تومان در حق شیلات بابت ضرر ناشی از تلفات آبزیان و کمی بیش از یک میلیون دلار امریکا در حق سازمان حفاظت از محیط زیست بابت خسارات محیط زیستی و کمی کمتر از یک میلیون دلار امریکا در حق سازمان بنادر و کشتیرانی بابت هزینه جمع‌آوری کانتینرهای غرق شده و شناور پیش بینی گردیده شد. پیرو درخواست تجدید نظر مالک کشتی ساخاروف، شعبه پانزدهم دادگاه تجدید نظر تهران در رأی مورخ هفتم اردیبهشت ماه ۱۳۸۱ بدون ورود به ماهیت دعوی و با توجه به قابل استماع نبودن درخواست تجدیدنظر به لحاظ پایان مهلت قانونی، پرونده را به همان دادگاه بدوی باز گرداند که در نهایت، موجب رد درخواست تجدید نظر شد (فهیمی، ۱۳۹۱).

همان‌طور که مشاهده کردیم، می‌توان با پیگیری‌های قانونی و قضایی تخریب‌کنندگان و آسیب‌زندگان به محیط زیست و مجازات عاملان این خسارت‌ها، در آینده مانع تکرار چنین حوادثی برای محیط زیست شویم.

نتیجه‌گیری

در قوانین ایران مبنای مسئولیت مدنی بر اساس نظریه تقصیر، به دلیل دشواری و در برخی موارد عدم امکان اثبات رابطه‌ی سببیت، توان حل مشکل مسئولیت مدنی تخریب محیط زیست را ندارد. لذا نیاز است در این حوزه قانون خاصی باتوجه به ضرورت های محیط زیستی وضع گردد، چرا که امروز وقایع طبیعی و مشکلات محیط زیستی و بی‌آبی، ناشی از زیان‌هایی است که انسان‌ها به طبیعت وارد

پرونده کشتی ساخاروف مهم‌ترین و جدیدترین نمونه‌ای است که با ابعاد بین‌المللی و محیط زیستی در دادگاه ایران مطرح شده که قاضی ایرانی به مدت چندین سال مشغول آن بود و پیگیری آن را به عهده داشته است. این پرونده مجموعه‌ای از مسائل حقوقی را نشان می‌دهد که عمدتاً در محورهای صلاحیت دادگاه، ماهیت دعوی و آیین دادرسی مطرح شده است. در آب‌های انحصاری اقتصادی ایران در نزدیکی جزایر لوان یکی از کانتینرهای کشتی مزبور منفجر شده و پس از کشته شدن دو نفر از خدمه، کانتینتر غرق می‌شود. بر اثر این انفجار مواد نفتی از تانکر این کشتی به دریا نشت کرد و مقادیر بسیار زیادی از مواد شیمیایی به دنبال آن وارد آب‌های دریا شد. از جمله این مواد شیمیایی هیپوکلریت کلسیم، اسید نیتریک، هیدروکسید پتاسیم، اتانول آمین و فلزات سمی پرکاربرد در صنایع سنگین بودند که این فاجعه آلودگی محیط زیست دریا را در پی داشت و موجب تلف شدن آبزیان آن گردید که از منابع تغذیه انسان به شمار می‌روند. در نتیجه، از یک سو سازمان بنادر و کشتیرانی کانتینرهای شناور در دریا را برای انتقال به خشکی و تأمین امنیت تردد کشتی‌ها در منطقه جمع‌آوری و از سوی دیگر، شرکت شیلات صید را به دلیل آلودگی منطقه به صورت موقت منع کرد که باعث خسارت صیادان منطقه گردید. سپس سازمان بنادر و کشتیرانی، سازمان حفاظت محیط زیست و شرکت شیلات جمهوری اسلامی ایران، به گونه‌ای مشترک دادخواستی به طرفیت شرکت کشتیرانی شمال روسیه به خواسته شناورسازی و انتقال کانتینرهای غرق شده از محل وقوع حادثه، تخلیه مخزن سوخت کشتی برای حفظ محیط‌زیست دریایی و جلوگیری از ادامه مرگ و میر آبزیان و تأمین ایمنی تردد شناورها و پرداخت همه خسارت‌های رسیده به محیط زیست منطقه به مراجع قضایی تسلیم کردند. شعبه سوم دادگاه عمومی تهران شرکت مذکور را مطابق رأی مورخ ۲۸ اسفندماه ۱۳۷۵ به خواسته مندرج در دادخواست محکوم کرد. موضوع بر اساس درخواست تجدید نظر از سوی شرکت کشتیرانی موصوف، در شعبه هشتم دادگاه تجدید نظر تهران دوباره بررسی شد و مطابق رأی مورخ سی‌ام مهرماه

کرده‌اند. امروزه در دنیا پرونده‌های مهمی در زمینه حفاظت از محیط زیست طرح می‌شود که برخی از آن‌ها در مجامع بین‌المللی نیز مورد قضاوت قرار می‌گیرد. این رخدادها مجامع حقوقی داخلی ما را به چالش خواهد کشید؛ از این رو نباید از آن‌ها غفلت کرد. درباره‌ی پرونده‌هایی مثل Trail Smelter که نام کارخانه‌ای در کشور کانادا، در ده کیلومتری مرز آمریکا بود، ساکنان آمریکایی از عملکرد این کارخانه که گاز دی‌اکسیدسولفور از آن متصاعد می‌شد، در دیوان بین‌المللی داوری شکایت کردند و حکم توقف فعالیت این کارخانه را گرفتند. وجود ده‌ها پرونده دیگر در سطح بین‌المللی، گویای این مطلب است که اسناد بین‌المللی، پس از تحقق زیان، به عامل زیان، مسؤولیت مطلق می‌دهد؛ اطلاق مربوط به وجود تقصیر یا عدم آن است؛ به تعبیر دیگر کسی که زیانی به محیط زیست وارد می‌کند، مسؤول جبران آن است، خواه تقصیرکار باشد و خواه بدون تقصیر آن زیان را وارد کرده باشد. فقط جایی که عامل قهری، سبب تحقق زیان توسط عامل زیان بوده و عامل زیان بتواند انتساب حادثه به قوای قهریه را ثابت کند، از مسؤولیت مبرا می‌گردد. برای تحقق مسؤولیت مدنی وجود سه رکن اساسی ضروری است: تحقق زیان، زیان دیده و وجود رابطه سببیت بین عامل زیان و ورود زیان. در مقوله مسؤولیت مدنی ناشی از تخریب محیط زیست، اثبات اینکه محیط زیست، مال غیر محسوب می‌شود، از جایگاه مهمی برخوردار است. زیرا اگر بخواهیم رکن زیان دیده را در فرایند مسؤولیت، تحصیل کنیم، ناچار از آن هستیم که تخریب محیط زیست را اولاً زیان بدانیم؛ ثانیاً محل ورود آن را عموم مردم فعلی و آتی جهان، تلقی کنیم که مدعی مطالبه خسارت باشند و ثالثاً مورد خسارت را تلف مال غیر بدانیم. سپس عامل زیان را مسؤول بدانیم. قوانین فعلی ایران پاسخگوی نیازهای محاکم قضایی نیست و معیار تقصیر که امروزه معیار مسؤولیت تخریب‌گران محیط زیست تلقی می‌گردد، توان مقابله با تهاجمات گسترده علیه محیط زیست را ندارد. متأسفانه ما تنها ضرری را ضرر می‌انگاریم که در حال و ملموس باشد، در حالی که مجامع حقوقی ما نباید به افعال زیان باری که

آثار سوء فراوانی در آینده به جای می‌گذارد، بی‌توجهی کنند؛ مثل زیان‌های حاصل از محصولات ژنتیکی و آلودگی‌های نوری و مرگ و میرهای تدریجی برآمده از آلودگی‌های هوا و غیره که باید با تنظیم قوانین مناسب با این زیان‌ها برخورد کرد. روال عادی طرح دعاوی محیط زیستی در محاکم دادگستری دو مشکل دارد: اول این که هزینه مالی و صرف وقت که معمولاً چون زیان دیدگان از عموم مردم هستند، رغبتی به پیگیری چنین دعاوی ندارد؛ دوم این که چون مبنای مسؤولیت در محاکم تقصیر است، معمولاً توان اثبات تقصیر تخریب‌گران محیط زیست برای خواهان دعوی وجود ندارد و بیشتر دعاوی ناکام می‌مانند. لذا توصیه می‌شود قانونی خاص برای حفاظت از مواهب طبیعی تدوین شود و برای کسانی که به محیط زیست زیان وارد می‌کنند، مسؤولیت مطلق تعیین شود. هم‌چنین از طرف رئیس قوه قضائیه دستور تشکیل شعبه یا شعب ویژه برای رسیدگی به پرونده‌های مربوط به محیط زیست صادر شده است؛ ولی عملاً این دستور جدی گرفته نمی‌شود؛ در حالی که باید شعب ویژه (کارشناسان ویژه) و حتی وکلای مجرب ویژه‌ای برای این مهم در نظر گرفته شود. هم‌چنین باید توجه داشت که با الحاق ایران به بیش از ۴۵ کنوانسیون محیط‌زیستی، مواد این کنوانسیون‌ها مثل سایر قوانین داخلی، هم محترم و هم برای محاکم ایران قابل استناد هستند و در مواقع خلأ قانونی، محاکم می‌توانند از این قوانین برای جلوگیری از تهاجم به عرصه‌های محیط زیست استفاده کنند که البته می‌تواند در جهت صیانت از محیط زیست مؤثر، کارآمد و کارساز باشد.

منابع

۱. بهرامی، ح. و فهیمی، ع.، ۱۳۸۶. مبنای مسؤولیت مدنی زیست محیطی در فقه و حقوق ایران، مجله پژوهشنامه حقوق اسلامی، شماره ۲.
۲. پورنوری، م. و حبیبی مجنده، م.، ۱۳۸۵. حقوق بین الملل دریاها (متن کنوانسیون حقوق

- دریاها (۱۹۸۲)، چاپ دوم، تهران: انتشارات مهدحقوق
۳. پورهاشمی، س.ع. و موسوی، م.، ۱۳۹۰. مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در حقوق محیط زیست، دانشنامه حقوق و سیاست، شماره ۱۵، بهار و تابستان.
۴. تقی‌زاده‌انصاری، م.، ۱۳۹۵. حقوق بین‌الملل محیط زیست، چاپ دوم، تهران: انتشارات خرسندی.
۵. خوئینی، غ. و کرمی، س.، ۱۳۹۳. مسئولیت مدنی ناشی از آلودگی‌های زیست محیطی در انفال، مجله علمی پژوهشی دانش حقوق مدنی، سال سوم، شماره ۱.
۶. رضازاده، ح. و کدخدایی، ع.، ۱۳۹۹. انسانی شدن حقوق محیط زیست در پرتو کرامت انسانی، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، دوره بیست و یکم، شماره ۶۶، بهار.
۷. ره‌پیک، ح.، ۱۳۸۷. حقوق مسئولیت مدنی و جبران‌ها، چاپ اول، تهران: انتشارات خرسندی.
۸. سبزقبایی، غ. و وهابی پور، م.، ۱۳۹۹. ارزیابی اثرات زیست محیطی کارخانه‌های برداشت شن و ماسه و سنگ شکن‌ها از بستر رودخانه بشار یاسوج، فصلنامه علمی محیط زیست و توسعه فرابخشی، شماره ۶۸، تابستان.
۹. ضیایی بیگدلی، م.، ۱۳۹۳. حقوق بین‌الملل عمومی، چاپ، تهران: انتشارات گنج دانش.
۱۰. طباطبایی، س.م.، ۱۳۸۵. ترجمه خلاصه تفسیر میزان، جلد ۲، چاپ چهارم، تهران: انتشارات اسلام.
۱۱. فقیه حبیبی، ع.، ۱۳۹۹. خسارت زیست محیطی و نحوه جبران آن در حقوق بین‌الملل، فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره دهم، شماره ۳، شماره پیاپی ۳۸، پاییز.
۱۲. فهیمی، ع.، ۱۳۹۱. مسئولیت مدنی ناشی از تخریب محیط زیست در فقه و حقوق ایران (مطالعه تطبیقی در حقوق فرانسه و اسناد بین‌المللی)، چاپ اول، تهران: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۱۳. فهیمی، ع. و مشهدی، ع.، ۱۳۹۰. مقاله فقه شیعه و تحول در مبانی مسئولیت مدنی زیست‌محیطی، فصلنامه حقوق، دوره چهل و یک، شماره ۱، بهار.
۱۴. فیوضی، ر.، ۱۳۷۹. حقوق بین‌الملل، مسئولیت بین‌المللی و نظریه حمایت‌سیاسی؛ جلد ۱، چاپ ۱، تهران: نشر دانشگاه تهران.
۱۵. قاسم‌زاده، س.م.، ۱۳۸۷. مبانی مسئولیت مدنی، چاپ پنجم، تهران: نشر میزان.
۱۶. قاسمی، ن. و حیدری، ف.، ۱۳۹۳. جبران زیان‌های وارده بر محیط‌زیست از منظر حقوق مدنی، دانشنامه حقوق و سیاست، شماره ۲۲، زمستان.
۱۷. قوام، س.ع. و مصطفوی، س.م.، ۱۳۹۸. تحول امنیت محیط زیست در حقوق بین‌الملل پس از جنگ سرد، فصلنامه سازمان‌های بین‌المللی، سال دوم، شماره ۸، پاییز.
۱۸. کاتوزیان، ن.، ۱۳۹۴. دوره مقدماتی حقوق مدنی - اعمال حقوقی، چاپ چهاردهم، شرکت سهامی انتشار.
۱۹. کاتوزیان، ن.، ۱۳۹۵. الزام‌های خارج از قرارداد، چاپ چهاردهم، تهران: انتشارات گنج دانش.
۲۰. کاتوزیان، ن.، ۱۳۹۸. نظریه عمومی تعهدات، چاپ نهم، تهران: انتشارات میزان.

25. **Birnie, P.W. and Boyle, A. E. 1996.** Basic Documents on International law The Environment, oxford, Clarendon Press.
26. **Chorzów Factory Case 1927.** pclj. ser, A. No.17, p 27
27. **ICJ Reports, 1996**
28. **Kiss, A., 1991.** Present limits to the Enforcement of state Responsibility for environmental Harm, in francioni and Scovazz .
29. **Smith B.D., 1998.** State responsibility and the marine environment; Oxford.
30. **UN, GA,A/CN.4/L.608/Add.2,16 July 2001.**
31. **V. Garcia Amador, F., 1958.** "State Responsibility Some New Problems (Volume 94)", in: Collected Courses of The Hague Academy of International Law.
۲۱. کاتوزیان، ن. و انصاری، م.، ۱۳۸۷. مسؤولیت ناشی از خسارات زیست محیطی، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره سی و هشت، شماره ۲.
۲۲. کاظمی، م.، ۱۳۸۴. آثار تقصیر زیان دیده بر مسؤولیت مدنی، فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، شماره ۲۸.
۲۳. محسنی، ح.، ۱۳۹۹. شدت زیان زیست محیطی قابل مطالبه در حقوق فرانسه و چالش‌های مفهوم آلودگی محیط زیست در حقوق ایران، فصلنامه علمی تخصصی دانشنامه‌های حقوقی، دوره سوم، شماره ۶، بهار.
24. **Bedjaoui, M, 1991.** Internatinal Law, (Achievements & Prospects), Martinu Nijhoff Publisher s, UNESCO, Paris.

Civil Liability for Environmental Damage in Iranian Law and International Instruments

Farzad Karimi Khanjari^{1*}, Mahdi Sajadi Kia²

1* - Department of Private Law, Faculty of Law and Political Science, Shiraz University, Shiraz, Iran

2- Department of Private Law, Faculty of Law and Political Science, Ferdowsi University, Mashhad, Iran

Abstract

The environment is one of the most important issues today, which is at the forefront of international affairs, given the catastrophes we are witnessing today. These catastrophes are caused by the damage done to the environment by individuals or governments; the damages that must be compensated by them, that is, they have civil liability. Environmental civil liability is defined in both international and Iranian law, but there may be different definitions for determining the type of civil liability. Now the question is, in case of damage to the environment, what is the resulting civil liability in Iranian law and international documents? Therefore, in this article, we will study the nature of civil liability in Iranian law and international documents analytically-descriptively and with a library method, and we will examine how to compensate them and their strengths and weaknesses. Research shows that absolute liability in this situation is the best type of civil liability that can be applied to environmental damage, and that is why this type of liability has been adopted in international documents, but in Iranian law, civil liability is based. It is the fault that it also applies to environmental damage, which is not commensurate with the nature of the environment

Key words: Environmental Degradation, Civil Liability, Environmental Damages, Compensation, International Documents